

تأثیر کاربرد ارزش منصفانه در گزارش‌های مالی در بهبود ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری

سمیرا حاجی کرمانی*، محمود معین‌الدین**، فروغ حیرانی***

تاریخ دریافت: ۲۷/۰۳/۹۵

تاریخ پذیرش: ۱۰/۰۷/۹۵

چکیده

هدف تحقیق حاضر تعیین تفاوت ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در شرکت‌هایی که از روش ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند و شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده‌اند، می‌باشد. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی است، به لحاظ شیوه اجرا، توصیفی - همبستگی و از نظر ماهیت، پس‌رویدادی و کمی است. قلمرو زمانی این تحقیق سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ می‌باشد که در میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بر روی نمونه آماری مشتمل بر ۹۵ شرکت که با روش حذفی سیستماتیک انتخاب گردید، انجام پذیرفته است. پس از جمع‌آوری اطلاعات و محاسبه متغیرهای اصلی تحقیق، با استفاده از آزمون رگرسیون خطی ساده و چند گانه مبتنی بر داده‌های پنلی فرضیه‌های تحقیق مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی و نیز ارتباط ارزشی همزمان سود هر سهم عادی و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند بیشتر از شرکت‌هایی است که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده‌اند.

واژه‌های کلیدی: ارزش منصفانه، بهای تمام‌شده تاریخی، گزارش‌های مالی، ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/jera.2017.10363.1307

* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، نویسنده مسئول، (kermanisamira@yahoo.com).

** دانشیار و عضو هیئت‌علمی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، (mahmoudmoein@gmail.com).

*** استادیار و عضو هیئت‌علمی، دانشگاه آزاد اسلامی یزد، (heiranyfrough@gmail.com).

مقدمه

امروزه توجه به ساختار مالی واحدهای اقتصادی یکی از نکات اولیه اقتصادهای موفق است و این موفقیت در شرایطی حاصل می‌شود که ارزش و مبلغ دارایی‌های واحدهای اقتصادی واقعی باشد. استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی سعی می‌کنند تا با کسب اطلاعات نسبت به خرید و یا فروش سهام اقدام کنند؛ بنابراین اطلاعات مربوط و شفاف نقش تعیین‌کننده‌ای برای آن‌ها ایفا خواهد کرد. هدف اصلی پژوهش‌های حوزه ارتباط ارزشی، افزایش سطح آگاهی استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نسبت به ویژگی‌های کیفی «مربوط بودن» و «قابل اتکاء بودن» اطلاعات حسابداری منعکس‌شده در ارزش بازار حقوق مالکان است. ویژگی‌های کیفی مذکور، دو معیار اصلی هیئت‌های تدوین استاندارد برای انجام بهترین انتخاب از میان گزینه‌های پیش روی و آزمون ارتباط ارزشی بیانگر نوعی رویکرد جهت عملیاتی کردن تعاریف ویژگی‌های کیفی پیش گفته به شمار می‌آید (ثقفی و باغومیان، ۱۳۸۸).

یکی از راه‌های مربوط نمودن اطلاعات حسابداری در این جریان، بازنگری در بهای تمام‌شده دارایی‌های ثابت می‌باشد. طبق اصل بهای تمام‌شده تاریخی، مبادلات حسابداری در تاریخ وقوع به بهای تمام‌شده در دفاتر ثبت می‌گردند. منظور از بهای تمام‌شده هر دارایی ارزش مبادله‌ای نقدی آن در تاریخ تحصیل است. پرداخت‌های اضافی به علت خریدهای نسبه و مدت‌دار جزء بهای تمام‌شده دارایی محسوب نمی‌شود. از آنجایی که ارزش دارایی‌ها به بهای تمام‌شده تاریخی سبب می‌شود ارزش جاری دارایی‌های شرکت‌ها با ارزش دفتری آن‌ها تفاوت قابل ملاحظه‌ای داشته باشد، تجدید ارزیابی دارایی‌ها می‌تواند به شفافیت و مربوط بودن صورت‌های مالی کمک نماید. به مرور زمان که ارزش دارایی‌ها تغییر می‌کند، این تغییر ارزش در بهای ثبت شده دارایی بی‌اثر است. عیب اصلی مبنای بهای تمام‌شده تاریخی، مربوط نبودن ظاهری آن با وضعیت جاری فعالیت تجاری است. بدین لحاظ، یک ترازنامه مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی، مادام که دارایی‌ها (و احیاناً بدهی‌ها) را به مبالغی منعکس کند که بیانگر قیمت‌های جاری بازار نمی‌باشند، تصویر دقیقی از وضعیت مالی جاری به دست نمی‌دهد، به گونه‌ای مشابه، یک صورت سود و زیان مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی، درآمد حاصل از نگهداری دارایی‌ها را در زمان تحقق و نه در زمان وقوع، گزارش می‌کند. این امر باعث می‌شود که صورت مزبور بین درآمدهای تحصیل‌شده در دوره‌های قبل که در دوره جاری

تحقق یافته‌اند و درآمدهایی که در دوره جاری هم تحصیل شده و هم تحقق یافته‌اند تفاوتی قائل نشود. در نظام بهای تمام‌شده تاریخی، حقوق صاحبان سرمایه (مشمول بر آورده پولی صاحبان سرمایه به علاوه سایر اقلام از قبیل سود تقسیم‌نشده و سایر درآمدها و هزینه‌های شناسایی شده که اندازه‌گیری آن‌ها مبتنی بر بهای تمام‌شده تاریخی است)، بر حسب واحد پول تاریخی اندازه‌گیری می‌شود. برای اندازه‌گیری کل سود یا زیان یک دوره، مبلغ پولی آغاز دوره حقوق صاحبان سرمایه با مبلغ پولی آخر دوره آن مقایسه می‌گردد و در این مقایسه، هیچ‌گونه تعدیلی از بابت تورم صورت نمی‌گیرد. نزدیک کردن ارزش ثبت‌شده دارایی‌های عملیاتی استهلاک‌پذیر به ارزش جاری موجب می‌شود که هزینه استهلاک و در نتیجه بهای تمام‌شده تولیدات به واقعیت نزدیک‌تر شده و از این طریق از اعلام و توزیع سود واهی و یا ارائه نکردن زیان واقعی جلوگیری شود، به عبارت دیگر، با دارایی‌های عملیاتی تجدید ارزیابی شده، اندازه‌گیری سود درست و امکان تصمیم‌گیری برای حفظ سرمایه یا در واقع توان تولیدی بهتر می‌شود (نمازیان، ۱۳۸۹).

از طرفی در شرایط تورمی نیز به طور متوسط سود اسمی شرکت‌ها پس از مدت زمانی، بدون اینکه افزایش واقعی سودآوری را به عهده داشته باشد، افزایش می‌یابد. وقتی سود اسمی افزایش یابد، قیمت اسمی سهام نیز بالا می‌رود که موجب کاهش ارزش ذاتی سهام می‌شود؛ بنابراین، افزایش نرخ تورم، کیفیت واقعی سود شرکت‌ها را پایین می‌آورد (نمازی و رضایی، ۱۳۹۱).

هم‌چنین فقدان شفافیت و کیفیت نامناسب سود حسابداری افشا شده به شرایطی منجر می‌شود که می‌توان بازدهی بیش از بازده عادی شرکت به دست آورد. به عبارت دیگر، غیر شفاف و مبهم بودن سود حسابداری به بازده غیرعادی سهام منجر خواهد شد (حقیقت و علوی، ۱۳۹۲).

بنابراین استفاده از روش ارزش منصفانه می‌تواند راهی جهت گشودن افق روشنی در جهت این بازنگری باشد. در مواقعی که ارزش دارایی‌ها کاهش پیدا می‌کنند، گزارش ارزش منصفانه تعدیلات مالی، «تبدیل سود سهام به جای زیان‌ها و تعویض تزریق‌های مالی به جای برداشت از درآمد جاری را تقویت می‌کند» (نوریاکی، ۲۰۱۴).

یکی از دلایل ظهور حسابداری ارزش منصفانه در حسابداری مالی، این است که بازارهای مالی کارآ هستند و قیمت عمومی آن‌ها معیار قابل‌اتکایی برای سنجش است. هیئت استانداردهای حسابداری مالی برقراری توازن بین دو ویژگی اصلی حسابداری یعنی «قابلیت اتکا» و «مربوط بودن» را به رسمیت می‌شناسد و افزایش استفاده از حسابداری ارزش منصفانه را با بحث در مورد افزایش مربوط بودن حسابداری توجیه می‌کند (رامانا، ۲۰۱۳).

بعضی از نقاط قوت ارزش منصفانه را می‌توان بدین شرح معرفی کرد:

الف) بهبود صورت‌های مالی و ترازنامه، حداقل فایده تجدید ارزیابی است.

ب) کمک به بقای شرکت‌ها می‌باشد.

ج) محاسبه هزینه استهلاک نیز به نفع نقدینگی شرکت است.

د) رشد اعتباری شرکت‌ها نزد بانک‌ها افزایش می‌یابد.

ه) سود بادآورده از ارزش ناپیدای شناسایی شده برای سهام‌دار را سبب می‌شود.

و) انگیزه جدید برای تداوم شرکت‌های زیان‌ده را به دنبال دارد (شمشیری، ۱۳۹۳).

سال‌هاست کارشناسان به دنبال راهی برای کمک به اتخاذ تصمیم‌های بهتر و موفق‌تر سرمایه‌گذاران جهت مناسبت‌های مالی هستند، به همین دلیل این تحقیق بر پایه این ادعا که استفاده از روش ارزش منصفانه می‌تواند به این مهم، کمک شایانی نماید طراحی و انجام یافته است. امید است در آینده و با افزایش تحقیقات بیشتر، بر جامعیت این ادعا افزوده شود. متغیرهای مستقل این تحقیق سود خالص هر سهم و ارزش دفتری و متغیر وابسته آن قیمت هر سهم می‌باشد. این تحقیق بر اساس الگوی اولسون انجام یافته است و هدف اصلی این تحقیق تعیین تفاوت ارتباط ارزشی اطلاعات در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند، با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام شده استفاده نموده‌اند می‌باشد. بقیه بخش‌های این مقاله به این ترتیب است؛ در بخش دوم مطالعات انجام شده پیشین در زمینه بررسی تحقیقات ارتباط ارزشی مرور می‌شود، در بخش سوم روش گردآوری و طبقه‌بندی در این تحقیق تشریح می‌شود، در بخش چهارم بررسی تحلیلی مطالعات پیشین انجام می‌شود و بخش پایانی به نتیجه‌گیری اختصاص دارد.

مروری بر تحقیقات پیشین

تحقیقات وسیعی در رابطه با ارتباط ارزشی اطلاعات اما نه چندان وسیع در استفاده از روش ارزش منصفانه در داخل و خارج از کشور انجام شده است و نتایجی به همراه داشته است به عنوان نمونه؛ نتایج تحقیقات انجام یافته توسط کولین و همکاران (۱۹۹۷) در خصوص ارتباط بین ارزش دفتری و سود هر سهم با قیمت سهام در کشور آمریکا در طی یک دوره ۴۰ ساله (۱۹۵۴-۱۹۹۳) نشان می‌دهد که ارتباط ترکیبی بین ارزش دفتری و سود با ارزش شرکت در طی دوره مورد مطالعه تغییر قابل توجهی نداشته است، اما در طی دوره مورد بررسی درحالی که افزایش قدرت توضیح دهندگی ارزش دفتری در تبیین قیمت سهام دیده می‌شود ارتباط بین سود با ارزش شرکت پیوسته کاهش یافته است.

تحقیقات توسط برگر و همکاران (۱۹۹۶) و برگستالر و همکاران (۱۹۹۷) در برخی موارد حاکی از این است که قدرت توضیح دهندگی ارزش دفتری در تبیین قیمت سهام بیش از قدرت توضیح دهندگی سود است.

پژوهش گرانی چون لو، زاروین (۱۹۹۹)، براون و همکاران (۱۹۹۹)، گرو همکاران (۲۰۰۳)، دنتو و همکاران (۲۰۰۴)، گو (۲۰۰۷) وال حقیل (۲۰۰۷) در بررسی روند ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری ادعا کرده‌اند ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری شامل سود هر سهم و ارزش دفتری نسبت به قیمت سهام در نظام بهای تمام شده (ارزش گذاری سنتی) طی زمان کاهش یافته است (ثقفی و باغومیان، ۱۳۸۸).

اقبال (۱۳۸۳) به بررسی دیدگاه مدیران و اساتید دانشگاه نسبت به شیوه تجدید ارزیابی دارایی‌ها پرداخت و نتایج حاصله از آزمون فرضیات تحقیق مبین این نکات می‌باشد که تجدید ارزیابی دارایی‌ها ضرورت دارد و ارزش آن‌ها پس از تجدید ارزیابی افزایش خواهد یافت. همچنین مشخص شد تجدید ارزیابی با نیت افزایش ارزش شرکت توسط مدیران انجام می‌شود و پس از تجدید ارزیابی به دلیل افزایش ارزش دارایی‌ها نسبت بدهی ریسک کمتر و با منصفانه شدن ارزش منابع مالی شرکت نسبت قیمت به درآمد، شاخص بهتری را نشان می‌دهد. مهتدی (۱۳۸۴) به بررسی ارتباط بین متغیرهای حسابداری جریان نقد عملیاتی، سود عملیاتی، سود سهام و سود انباشته با قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. نتایج نشان داد که میان سود سهام با قیمت سهام در مقایسه با

متغیرهای مورد بررسی بیش‌ترین همبستگی وجود دارد، به طوری که ۶۰ درصد تغییرات قیمت سهام را می‌توان با سود سهام توضیح داد. سعیدی، قادری (۱۳۸۶) به بررسی توان پیش‌بینی کنندگی ارزش دفتری، سود خالص، گردش وجوه نقد عملیاتی و سرمایه‌گذاری به عنوان نماینده اطلاعات حسابداری در رابطه با ارزش بازار شرکت‌ها پرداخته‌اند. نتایج تحقیق نشان داد که ارزش دفتری و سود حسابداری اقلام مربوط تری هستند و وارد نمودن گردش وجوه نقد (عملیاتی و سرمایه‌گذاری) در قدرت توضیح دهندگی مدل‌ها افزایش معنی‌داری ایجاد نمی‌کند.

همچنین پژوهش ثقفی، باغومیان (۱۳۸۸) که از منظر ارزش‌گذاری (ارزش‌گذاری سنتی) و بر اساس استدلال‌هایی که ارائه کرده است، ادعا کرده‌اند ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری شامل سود هر سهم و ارزش دفتری نسبت به قیمت سهام در نظام بهای تمام‌شده (ارزش‌گذاری سنتی) طی زمان کاهش یافته است و همچنین اثر اندازه‌گیری حسابداری (ارزش منصفانه) در پژوهش آن‌ها نشان داد که روند مذکور طی زمان افزایشی بوده است.

ریبعی و همکاران (۱۳۹۲) تحقیقی به نام بررسی ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را انجام داده‌اند که در این پژوهش ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری با استفاده از الگوهای مبتنی بر قیمت و الگوهای مبتنی بر بازده مورد تحلیل قرار گرفت (بازده‌های سهام هم به صورت انباشته و هم به صورت خرید و نگهداری محاسبه شده‌اند). نتایج به دست آمده از مدل‌های بازده، نشان‌گر وجود رابطه‌ای مثبت میان اطلاعات سود هر سهم با انواع بازده سهام می‌باشد و ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری را تأیید می‌کند. نتایج حاصل از مدل قیمت، نشان‌گر ارتباط مثبت میان سود هر سهم دوره جاری و ارزش دفتری سهام با ارزش بازار سهام است. همچنین مدل قیمت، ارتباط ارزشی بسیار بیشتری نسبت به مدل‌های بازده دارد. طبق یافته‌های مومن زاده و همکاران (۱۳۹۲) در ایران در سال‌های گذشته با تصویب قوانین مقطعی و برای اهدافی خاص، مزاد تجدید ارزیابی از معافیت مالیاتی برخوردار شده و در نتیجه شرکت‌ها نسبت به انجام آن تمایل بیش‌تری داشته‌اند. در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های اقتصادی و نوسانات نرخ ارز، ارزش روز دارایی‌ها با ارزش دفتری آن‌ها تفاوت اساسی دارد، از این رو سیاست‌های به کار گرفته شده در خصوص نحوه برخورد با مزاد تجدید ارزیابی بر بازارهای مالی می‌تواند تأثیرات بااهمیتی داشته باشد. این رویکرد که ارتباط ارزشی سود حسابداری در طول زمان کاهش و در مقابل

ارتباط ارزشی اطلاعاتی چون ارزش دفتری افزایش یافته، توسط تمام پژوهش‌گران مورد تأیید قرار نگرفته است. این همه در حالی می‌باشد که بازنگری نتایج تحقیقات انجام شده در زمینه روند تغییرات ارتباط ارزشی متغیر ترکیبی (سود و ارزش دفتری)، حاکی از ناسازگاری یافته‌های پژوهشی با یکدیگر است.

رامانا (۲۰۱۳)، در پژوهشی تحت عنوان «چرا ارزش منصفانه حاکم است» نتیجه می‌گیرد که انگیزه‌های افرادی که به خدمات مالی مشغول هستند، برای حمایت از حسابداری ارزش منصفانه، بسیار پیچیده و متعدد است او معتقد است اول اینکه، موسسات سرمایه‌گذاری به استفاده از روش ارزش منصفانه در کسب و کار خود عادت کرده‌اند تا از طریق آن بتوانند ترانزنامه‌هایی خاص مدیریت باهدف مدیریت ریسک تهیه کنند و این روش موجب شکل‌دهی به عملکرد آن‌ها در قالب استانداردهای گزارش‌گری مالی عمومی می‌شود. دوم اینکه سود در اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری بیشتر بر مبنای ارزش منصفانه تعریف شده است تا بهای تمام‌شده تاریخی و این امر شناسایی سود را به خصوص در زمان افزایش قیمت دارایی‌ها، تسریع می‌بخشد و تا زمانی که پاداش‌های مدیریتی بر مبنای اعداد سود اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری هستند، مدیران مالی نیز در نظام ارزش منصفانه، پاداش‌های بیشتری کسب می‌کنند. سوم اینکه، استفاده از ارزش منصفانه به منظور تعیین زیان سرقفلی ناشی از ادغام و تحصیل (به جای رویکرد مستهلک کردن بر مبنای بهای تمام‌شده تاریخی) به طور میانگین، منجر به سود کمتری می‌شود، بنابراین موجب افزایش فعالیت‌های مربوط به ادغام و تحصیل که یک منبع درآمد عمده برای موسسات سرمایه‌گذاری است، می‌شود.

در ایران تاکنون چنین تحقیقاتی درباره تأثیر کاربرد ارزش منصفانه حداقل در گزارش‌های مالی شرکت‌های تولیدی انجام نشده است. بنابراین، این پژوهش از جمله اولین مطالعات در این زمینه محسوب می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به دلیل استفاده از نتایج آن توسط استفاده‌کنندگان از لحاظ هدف از نوع کاربردی است، به لحاظ شیوه اجرا توصیفی - همبستگی است و هم‌چنین این تحقیق از نظر ماهیت داده‌ها پس‌رویدادی (از طریق اطلاعات گذشته) و کمی است. در راستای تحقق هدف اصلی تحقیق فرضیه‌هایی به شرح زیر طراحی گردیده‌اند:

فرضیه ۱: ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده‌اند متفاوت است.

فرضیه ۲: ارتباط ارزشی همزمان سود هر سهم عادی و ارزش دفتری دارایی‌ها در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده‌اند متفاوت است.

با توجه به فرضیه‌های مطرح شده، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۳ که امکان دسترسی به اطلاعات آن‌ها وجود داشته است به عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده‌اند و به لحاظ ماهیت خاص تحقیق از دو نمونه متفاوت در این تحقیق استفاده شده است.

الف) نمونه اول شامل شرکت‌هایی است که حداقل ۳ سال از تاریخ تجدید ارزیابی آن‌ها گذشته باشد، با توجه به محدودیت فوق تنها ۲۵ مقوله انتخاب شدند.

ب) بخش دوم جهت گسترش بررسی‌ها، نمونه‌ای از شرکت‌هایی که از تجدید ارزیابی استفاده ننموده بودند نیز انتخاب گردید. در این مرحله سعی بر این شد که در صنایعی که شرکت‌های گروه اول (تجدید ارزیابی کننده) انتخاب شده‌اند نمونه بزرگ تری انتخاب گردد که این تعداد ۷۰ مورد بوده است. به این ترتیب نمونه آماری به ۹۵ شرکت رسید، که از این تعداد، شرکت‌های تولیدی با تنوعی در حوزه صنایع شیمیایی، صنایع کشاورزی، صنایع غذایی، کاشی و سرامیک، مواد دارویی، ماشین‌افزار و قطعات صنعتی، سیمان، کانی و معدنی، صنایع لاستیک، خودروسازی، فراورده‌های نفتی و پالایشگاهی و شرکت‌هایی در حوزه خدماتی و مالی انتخاب شدند. در نهایت این که به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از تکنیک رگرسیون ساده و چند متغیره مبتنی بر داده‌های پنلی استفاده شده است. همچنین برای درک تفاوت آماری بین مدل‌های رگرسیونی از آزمون Z کرامر استفاده شده است.

متغیرها و مدل‌های پژوهش

متغیر وابسته این تحقیق قیمت هر سهم می‌باشد که ارزش سهم شرکت را نشان می‌دهد و از سایت متعلق به بورس اوراق بهادار تهران استخراج شده است.

متغیرهای مستقل شامل:

الف) سود هر سهم عادی که سودآوری شرکت را در سال مورد نظر نشان می‌دهد و مستقیماً از صورت سود و زیان قابل استخراج است.

ب) ارزش دفتری که میزان خالص دارایی به ازای هر سهم را نشان می‌دهد و از تقسیم حقوق صاحبان سهام که از ترازنامه قابل استخراج است بر تعداد سهام به دست می‌آید.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت آزمون فرضیه‌ها از روش همبستگی بین متغیرها و معادلات رگرسیون ساده و چند متغیره از طریق روش پانل دیتا استفاده شده است. آزمون‌های آماری این پژوهش با استفاده از نرم‌افزار آماری، ای و یوز ۷ انجام و به دلیل وجود داده‌های پنبلی از آزمون چاو استفاده شده است.

بعد از انجام آزمون چاو و انتخاب مدل اثرات مقطعی برای انتخاب روش آزمون داده‌ها از بین دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است؛ که با توجه به احتمال مربوط به آزمون که کوچک‌تر از ۰/۰۱ می‌باشد بنابراین در سطح اطمینان ۹۹٪ اثرات تصادفی رد شده و اثرات ثابت برای هر دو گروه پذیرفته شده است که به دلیل رعایت اختصار از درج جداول آن‌ها خودداری شده است. مدل کاربردی این تحقیق به صورت زیر می‌باشد:

$$P_{it} = \alpha_i + \alpha_1 EPS_{it} + \varepsilon_{i,t}$$

فرضیه اول، در خصوص بررسی تفاوت ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده مطرح و با استفاده از مدل زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

$$P_{it} = \alpha_i + \alpha_1 EPS_{it} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

نتایج مربوط به آزمون فرضیه اول در نگاره (۱-۱) ارائه شده است

نگاره (۱): تجزیه و تحلیل فرضیه اول

نظام بهای تمام‌شده					ارزش منصفانه						
Cross-section fixed (dummy variables)					Cross-section fixed (dummy variables)						
۰/۷۳					۰/۹۳						
ضرب تعیین تعدیل‌شده					ضرب تعیین تعدیل‌شده						
۱۳/۸۹۶					۴۶/۲۳۷						
آماره F					آماره F						
۰					۰						
احتمال					احتمال						
۲/۰۶۲					۲/۰۰۹						
آماره دوربین - واتسون					آماره دوربین - واتسون						
سطح اطمینان	احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضرب	متغیر توضیحی	سطح اطمینان	احتمال	آماره t	خطای استاندارد	ضرب	متغیر توضیحی
بدون معنی	۰/۲۷	-۱/۰۹۴	۲۶۰E-۰۵	-۲۴E-۰۵	سود هر سهم عادی	۹۹٪	۰/۰۰۳	۳/۰۵۳	۰/۱۹۰	۰/۵۸۲	سود هر سهم عادی
۹۹٪	۰	۸۱/۴۳	۸۵/۹۷	۷۰/۱/۹۳	C	۹۹٪	۰	۳/۸۶۲	۷۸/۱۵۸	۳۰/۱۸/۵۹	C

با توجه به آماره F و احتمال مربوط به آن‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در سطح اطمینان ۹۹٪ معادله‌های رگرسیون معنی‌دار است. نتایج مربوط به آماره دوربین-واتسون (عدم خود همبستگی جملات خطا) برای مدل‌ها نشان از استقلال نسبی داده‌ها دارد.

ضرب تعیین تعدیل‌شده مدل بیان‌کننده میزان مربوط بودن متغیر مستقل با متغیر وابسته (قیمت سهام) می‌باشد. مطابق با نگاره (۱) ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل در روش ارزش منصفانه ۰/۹۳ می‌باشد؛ بنابراین به طور متوسط ۹۳٪ تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود؛ اما ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل در نظام بهای تمام‌شده ۰/۷۳ می‌باشد. بنابراین به طور متوسط ۷۳٪ تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به احتمال مربوط به متغیرها در ارزش منصفانه متغیر سود هر سهم دارای احتمال کمتر از ۰/۰۱ می‌باشد؛ بنابراین

این متغیر در سطح اطمینان ۹۹٪ در مدل معنی‌دار می‌باشد در نتیجه بین سود هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود دارد اما برای نظام بهای تمام شده متغیر سود هر سهم دارای احتمال بیشتر از ۰/۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵٪ در مدل معنی‌دار نمی‌باشد در نتیجه بین سود هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل شده در روش ارزش منصفانه ۰/۹۳ و در نظام بهای تمام شده ۰/۷۳ حاکی از بالاتر بودن ضریب تعیین تعدیل شده در روش ارزش منصفانه نسبت به نظام بهای تمام شده می‌باشد. حال برای بررسی معنادار بودن اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل شده از آزمون Z کرامر استفاده می‌شود. نتایج آزمون Z کرامر در نگاره (۲) نشان داده شده است:

نگاره (۲): نتایج آزمون Z کرامر فرضیه اول

احتمال	آماره Z کرامر	ضریب تعیین تعدیل شده	گروه
۰/۰۰۴	۸/۴۶۷	۰/۹۳	روش ارزش منصفانه
		۰/۷۳	نظام بهای تمام شده

آماره آزمون در سطح اطمینان ۹۹٪ برای دو گروه معنادار می‌باشند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل شده حاصل از برآورد مدل‌ها برای نظام روش ارزش منصفانه و نظام بهای تمام شده معنادار می‌باشد لذا می‌توان ادعا نمود ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی در شرکت‌هایی که از روش ارزش منصفانه استفاده نموده با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام شده استفاده نموده متفاوت و در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده بیشتر است؛ بنابراین اولین فرضیه پژوهش تأیید می‌گردد.

فرضیه دوم در خصوص بررسی تفاوت ارتباط ارزشی همزمان سود هر سهم و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام شده استفاده نموده مطرح و با استفاده از مدل زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

$$P_{it} = \alpha_i + \alpha_1 EPS_{it} + \alpha_2 BV_{it} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

نتایج مربوط به آزمون فرضیه دوم در نگاره (۳) ارائه شده است:

۷۴٪ تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل تبیین می‌شود. با توجه به احتمال مربوط به متغیرها در روش ارزش منصفانه متغیر سود هر سهم دارای احتمال کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین، این متغیر در سطح اطمینان ۹۵٪ در مدل معنی‌دار می‌باشد؛ اما متغیر ارزش دفتری هر سهم دارای احتمال بیشتر از ۰/۰۵ و در سطح ۹۵٪ در مدل معنی‌دار نمی‌باشد در نتیجه بین سود هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود دارد اما بین ارزش دفتری هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد برای نظام بهای تمام‌شده متغیر سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم دارای احتمال بیشتر از ۰/۰۵ و در سطح اطمینان ۹۵٪ در مدل معنی‌دار نمی‌باشد در نتیجه بین سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد. ضریب تعیین تعدیل‌شده در روش ارزش منصفانه ۰/۹۳ و در نظام بهای تمام‌شده ۰/۷۴ حاکی از بالاتر بودن ضریب تعیین تعدیل‌شده در روش ارزش منصفانه نسبت به نظام بهای تمام‌شده می‌باشد حال برای بررسی معنادار بودن اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل‌شده از آزمون Z کرامر استفاده می‌شود. نتایج آزمون Z کرامر در نگاره (۴) نشان داده شده است:

نگاره (۴): نتایج آزمون Z کرامر فرضیه دوم

احتمال	آماره Z کرامر	ضریب تعیین تعدیل‌شده	گروه
۰/۰۱۱	۶/۸۶۹	۰/۹۳	روش ارزش منصفانه
		۰/۷۴	نظام بهای تمام‌شده

آماره آزمون در سطح اطمینان ۹۵٪ برای دو گروه معنادار می‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل‌شده حاصل از برآورد مدل‌ها برای روش ارزش منصفانه و نظام بهای تمام‌شده معنادار می‌باشد لذا می‌توان ادعا نمود ارتباط ارزشی همزمان سود هر سهم و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام‌شده استفاده نموده متفاوت و در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده بیشتر است؛ بنابراین دومین فرضیه پژوهش نیز تأیید می‌گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد، در فرضیه اول «ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام‌شده استفاده کرده‌اند متفاوت است.» بررسی و به مقایسه آن‌ها پرداخته شد و نتایج حاصل از

بررسی آماری این فرضیه نشان دادند که در روش ارزش منصفانه بین سود هر سهم با قیمت سهام رابطه معناداری وجود دارد اما برای نظام بهای تمام شده بین سود هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد. هم چنین نتیجه آزمون کرامر جهت مقایسه نشان می‌دهد، آماره آزمون برای هر دو گروه معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل شده حاصل از برآورد مدل‌ها برای روش ارزش منصفانه و نظام بهای تمام شده معنادار می‌باشد لذا می‌توان ادعا نمود ارتباط ارزشی سود هر سهم عادی در شرکت‌هایی که از روش ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام شده استفاده نموده‌اند متفاوت بوده و در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند بیشتر است. هر چه قدرت تبیین (ضریب تعیین تعدیل شده) رابطه همستگی پیش گفته (اطلاعات حسابداری بیشتر باشد، نقش آن در ارزش گذاری حقوق مالکان پررنگ تر و یا به عبارت بهتر، ارتباط ارزشی آن بیشتر خواهد بود. نتایج تحقیقات انجام یافته توسط کولین و همکاران (۱۹۹۷) در خصوص ارتباط بین ارزش دفتری و سود هر سهم با قیمت سهام در کشور آمریکا در طی یک دوره ۴۰ ساله (۱۹۵۴ - ۱۹۹۳) که نشان می‌دهد ارتباط بین سود با ارزش شرکت پیوسته کاهش یافته است و همچنین نتیجه یافته‌های پژوهش گران چون لو و زاروین (۱۹۹۹)، براون و همکاران (۱۹۹۹)، گرو همکاران (۲۰۰۳)، دنتو و همکاران (۲۰۰۴)، گو (۲۰۰۴) و ال حقیل (۲۰۰۷) و نتیجه تحقیق ثقفی، باغومیان (۱۳۸۸)، که ادعا کرده‌اند ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری شامل سود هر سهم و ارزش دفتری نسبت به قیمت سهام در نظام بهای تمام شده (ارزش گذاری سنتی) طی زمان کاهش یافته است. با بخش دوم این فرضیه در استفاده از نظام بهای تمام شده در یک راستا می‌باشد.

در فرضیه دوم «ارتباط ارزشی همزمان سود هر سهم عادی و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده‌اند با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام شده استفاده کرده‌اند متفاوت است.» بررسی و به مقایسه آن‌ها پرداخته شد و نتایج حاصل از بررسی آماری این فرضیه نشان داد که در روش ارزش منصفانه بین سود هر سهم با قیمت سهام رابطه معنادار وجود دارد اما بین ارزش دفتری با قیمت سهام را به طه معنادار وجود ندارد اما در نظام بهای تمام شده بین سود هر سهم و هم چنین ارزش دفتری با قیمت سهام رابطه معنادار وجود ندارد. هم چنین نتیجه آزمون کرامر جهت مقایسه نشان می‌دهد، آماره آزمون برای دو گروه معنادار می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اختلاف در ضرایب تعیین تعدیل شده حاصل از

برآورد مدل‌ها برای روش ارزش منصفانه و نظام بهای تمام‌شده معنادار می‌باشد لذا می‌توان ادعا نمود ارتباط ارزشی همزمان سود هر سهم عادی و ارزش دفتری در شرکت‌هایی که از روش ارزش منصفانه استفاده نموده با شرکت‌هایی که از نظام بهای تمام شده استفاده نموده متفاوت و در شرکت‌هایی که از ارزش منصفانه استفاده نموده بیشتر است. در این رابطه تحقیق وون (۲۰۰۹)، در استفاده از نظام بهای تمام‌شده هم راستا با بخش دوم فرضیه تحقیق حاضر می‌باشد که نشان می‌دهد وقتی شرکت‌ها سوددهی منفی و مدیریت سوددهی دارند، ترکیب اطلاعات ارزشی سوددهی و ارزش دفتری در ارتباط با قیمت‌های تضمینی کاهش می‌یابد (نوروزی، ۱۳۹۳). در این رابطه طبق یافته‌های پور حیدری و همکاران (۱۳۸۴)، اهمیت جزء ارزش دفتری عامل پیش گفته در ارزش‌گذاری حقوق مالکان، در ایران پررنگ نمی‌باشد. این در حالی است که شاید بتوان دلیل این امر را به استفاده از اصل بهای تمام شده توسط شرکت‌ها نسبت داد، زیرا بالا بودن نرخ تورم و عدم تجدید ارزیابی دارایی‌ها توسط شرکت‌ها، تفاوت قابل توجهی میان ارزش دفتری و ارزش بازار ایجاد کرده است.

همچنین پژوهش ثقفی، باغومیان (۱۳۸۸) که از منظر ارزش‌گذاری و بر اساس استدلال‌هایی ارائه شده است، نتایج مشابهی را ارائه داد که روند کاهشی شدت رابطه میان قیمت بازار و متغیرهای مالی سود و ارزش دفتری (ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری) را می‌توان در این عامل نیز در نظر گرفت که اثر اندازه‌گیری حسابداری، نتیجه ناتوانی الگوی فعلی گزارش‌گری مالی (نظام بهای تمام شده) در بازنمایی کامل ارزش بنیادی شرکت است و هم چنین اثر اندازه‌گیری حسابداری (ارزش منصفانه) در پژوهش آن‌ها نشان داد که می‌توان ادعا کرد که روند مذکور طی زمان افزایشی بوده است؛ که هم راستا با بخش اول فرضیه تحقیق حاضر می‌باشد (در شرکت‌هایی که از روش ارزش منصفانه استفاده کرده‌اند). بنابراین در پایان با توجه به نتایج حاصل از این پژوهش پیشنهاد کاربردی به شرح زیر مطرح می‌گردد:

با توجه به جنبه کاربردی ارزش‌گذاری سهام شرکت‌ها و اهمیت فوق‌العاده قیمت سهام، با توجه به اینکه در استفاده از روش ارزش منصفانه در ارزشیابی‌های ثابت قدرت توضیح دهندگی سود و هم چنین همزمان سود و ارزش دفتری نسبت به استفاده از نظام بهای تمام شده بیشتر می‌باشد بنابراین به مدیران و دست‌اندرکاران بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد جهت کمک به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی، تسریع جایگزینی یا افزایش استفاده

از روش اندازه‌گیری ارزش منصفانه با نظام بهای تمام‌شده را در شرکت‌های مختلف مد نظر قرار دهند و در ایجاد و تسهیل ساز و کارهای لازم کوشا باشند. هم‌چنین با توجه به این که ارزش اطلاعاتی ارقام مبتنی بر ارزش بازار بیشتر از ارزش بهای تمام‌شده است لذا به تحلیل گران بورس و سرمایه‌گذاران بالفعل و بالقوه، توجه بیشتر به ارزش اطلاعاتی ارقام حسابداری مبتنی بر ارزش بازار توصیه می‌گردد. هم‌چنین به پژوهش‌گران علاقه‌مند به این حوزه نیز پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی دوره زمانی پژوهش‌های آینده را با توجه به گذشت زمان و در دسترس بودن داده‌های بیشتر در مورد شرکت‌های تجدید ارزیابی کننده، افزایش و شرکت‌های بیشتری را در نمونه آماری خود قرار دهند و هم‌چنین آزمون فرضیه‌ها را در سطح هر صنعت انجام دهند و با توجه به اینکه در این تحقیق از ارتباط ارزشی سود هر سهم و ارزش دفتری، با قیمت سهام استفاده شده است لذا می‌توان از دیگر اطلاعات ارقام حسابداری مثل فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، بازده سرمایه‌گذاری و مالیات و... استفاده نمایند و اینکه، با توجه به این مطلب که در این تحقیق از صورت‌های مالی سالانه استفاده شده است لذا محققان آتی می‌توانند از صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای جهت انجام تحقیق مشابه استفاده نمایند.

منابع

- اقبال، مریم. (۱۳۸۳). بررسی دیدگاه مدیران نسبت به شیوه تجدید ارزیابی دارایی‌ها. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد از دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، تهران.
- پور حیدری، امید؛ سلیمانی امیری، غلامرضا؛ صفا جو، محسن. (۱۳۸۴). بررسی میزان ارتباط سود و ارزش دفتری با ارزش بازار سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، شماره ۴۲، صص ۳-۱۹.
- ثقفی، علی؛ باغومیان، رافیک. (۱۳۸۸). تبیین ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری از منظر اندازه‌گیری و رفتاری. *مطالعات فصلنامه حسابداری*، شماره ۲۵، صص ۱-۵۲.
- ربیعی، حامد؛ امینی، ولی‌اله؛ ایزدی نیا، ناصر. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط ارزشی اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۰۱-۱۲۳.
- سعیدی، علی؛ قادری، احسان. (۱۳۸۶). بررسی مربوط بودن سود حسابداری، ارزش دفتری و گردش وجوه نقد عملیاتی و سرمایه‌گذاری در مدل‌های ارزشیابی مبتنی بر قیمت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، دوره ۱۴، شماره ۵.

شمشیری، محسن. (۱۳۹۳). افزایش سرمایه از طریق مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌ها و بانک‌ها بر اساس قانون بودجه عمومی. تاریخ انتشار ۱۶ شهریور، (خبر اقتصادی) کد خبر ۲۸۰۴۰. منابع: آیین‌نامه افزایش سرمایه بودجه سالانه، آیین‌نامه افزایش سرمایه از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی، مصوبه ۱۸ تیر ۱۳۹۲، هیئت‌وزیران، قانون بودجه سال (۱۳۹۱).

علوی، سید مصطفی؛ حقیقت، حمید. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین شفافیت سود حسابداری و بازده غیرعادی سهام در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، سال پنجم، شماره اول، شماره پیاپی (۱۵)، بهار ۹۲.

مومن زاده، محمد مهدی؛ زارع بهنمیری، محمد جواد؛ مومن زاده، محمد هادی. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی سیاست‌های تجدید ارزیابی دارایی‌ها و مقررات تجدید ارزیابی دارایی‌ها در ایران (با تأکید بر شرایط تحریم اقتصادی).

مهتدی، اعظم. (۱۳۸۴). ارزیابی ارتباط متغیرهای حسابداری با قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه الزهرا (س).

نمازی، محمد؛ رضایی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). تأثیر نرخ تورم بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال دوم، شماره ۵، پاییز ۹۱، صص ۶۷-۹۱.

نمازیان، علی. (۱۳۸۹). ارزیابی تأثیر تجدید ارزیابی دارایی شرکت‌ها بر افشای دارایی‌ها و مالیات بر درآمد شرکت‌ها. هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان.

نوروزی، مریم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه ارزش اطلاعاتی جریان‌های نقدی و اقلام تعهدی جاری و غیر جاری و ارزش بازار سهام در بازار سرمایه ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی یزد.

Alavi, S. M and Haqiqat, H. (۲۰۱۳). Investigating the Relationship between Transparency of Accounting Earnings and Abnormal Stock Returns in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research, Fifth year, No. 1, Serial No. (15)*, Spring. (In Persian)

Al-Hogail, A. A. (2004). The valuation Effect of Investor Behavior on the Relevance of Financial information, Unpublished PhD Dissertation, Department of Accountancy, Case Western Reserve University, Cleveland, OH, USA.

Berger, P. Ofek E. and Swary I. (1996). Investor valuation of Abandonment Option, *Journal of Financial Economics, Vol. 42, 257-258*.

- Brown, S. K. Lo, and T. Lys (1999). Use of R^2 in Accounting Research: Measuring Changes in Value Relevance over the Last Four Decades, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 28, Issue 2 (Dec): 83 – 115.
- Burgstahler, D. and Dichev, I. (1997). Earnings, Adaption and Equity Value, *The Accounting Review*, Vol. 72, 187-215.
- Collins, D. W. Maydew, E. L. and Weiss, I. S. (1997). Changes in the Value-Relevance of Earnings and Book Value Over the Past Forty Years, *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24, 39-67.
- Core, J. W. Guay, and Buskirk, A. (2003). Market Valuations in the New Economy: An Investigation of What has changed. *Journal of Accounting and Economics*, Vol, 34, Issue 1-3 (Jan): 43-67.
- Dontoh, A. Radhakrishnan, s. and J. Ronen (2004). The Declining of Value-Relevance of Accounting information and Non- Information-Based Trading: *An Empirical Analysis, Contemporary Accounting Research*, Vol. 21, Issue 4 (Winter): 795-812.
- Gu, z. (2007). Across-Sample Incomparability of R^2 s and Additional Evidence on Value Relevance Changes Over Time, *Journal of Business Finance and Accounting*, Vol. 34, Issue 7-8 (Sep): 1073-1098.
- Iqbal, M. (2004). Investigating the managers' view relative to the method of revaluation of assets. Treatise for MSc degree from Tehran University, Faculty of Management of University of Tehran, Tehran. (In Persian)
- Lev, B. and Zarowin, p. (1999). Boundaries of Financial Reporting and How to Extend them, *Journal of Accounting Research*, Vol. 37, Issue 2 (Autumn): 353-385.
- Mehtadi, A. (2005). Evaluation of relevance between accounting variables and stock prices of companies listed in Tehran Stock Exchange. MSc Thesis for Accounting, Al-Zahra University (S). (In Persian)
- Momen Zadeh, M. M. and Zare Behnemiri, M. J. and Momen Zadeh, M. H. (2013). A comparative study of assets revaluation policies and assets revaluation rules in Iran. (with emphasis on economic sanctions conditions). (In Persian)
- Namazi, M. and Rezaei, H. (2012). Impact of inflation on earnings quality of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting Empirical Researches*, Second Year, No. 5, pp. 67-91. (In Persian)
- Namazian, A. (2010). Evaluation of the impact of companies' asset revaluation on companies Disclosure of Assets and income taxes. Faculty Member of Islamic Azad University of Rafsanjan.
- Noriaki, O. (2014). Fair value accounting from a distributed cognition. Ryutsu Keizai University. *Department Of Economics, 120ryugasaki, japan. GModel, AACCFOR-296*: No. of pages 1.
- Noroozi, M. (2014). Investigation the Relationship of the Information Value of Cash Flows and Current and Non-Current Accruals and the

- Value of Stock Market in Iran's Capital Market. MSc Thesis in Accounting, Islamic Azad University of Yazd. (In Persian)
- Poor Heydari, O. and Soleymani amiri, Q. and Safajoo, M. (2006). Investigating the relationship between earnings and book value with the stock market value of companies listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Reviews*, No. 42, pp. 3-19. (In Persian)
- Rabiei, H. and Amini, V. and Eizadinia, N. (2013). Investigating the Value Relevance of Accounting Information in the Companies listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting Empirical Researches*, Second Year, No. 8, pp. 101-123. (In Persian)
- Ramanna, K. (2013). Why Fair Value Is the Rule, *Harvard Bussiness Review* - Scott Pirie, Malcolm Smith, (2008) , Stock Prices and Accounting Information: Evidence from Malaysia, *Asian Review of Accounting*, Vol. 16 Iss: 2, 109 – 133.
- Saeidi, A. and Qaderi, E. (2009). Investigation the relevance of accounting profit and book value and operating cash flow and investment in price-based valuation models. *Accounting and auditig reviews*, Vol. 14, NO. 5. (In Persian).
- Saqafi, A. and Baqoomian, R. (2009). Determining the Value relevance of Accounting Information in Measurement and Behavioral Perspectives. *Accounting Quarterly Studies*, No. 25, pp. 1- 52. (In Persian)
- Shamshiri, M. (2014). Increase in capital through surplus revalued assets of companies and banks in according to general budget law. Publication date 16th of september (Economic News) , News Code 28040 (Sources: Regulation on Increasing Capital of Annual Budget, Regulation for Increasing Capital from the Place of Extra Revaluation of Assets, July, 1392, Cabinet of Ministers, Budget Law,1391). (In Persian)

Fair Value in Financial Reporting and Improvement of Accounting Information Value Relevance

Samira Hajikermani^{*}, Mahmoud Moeinadin^{**}, Forough Heirany^{***}

Received : 2016/06/16

Approved: 2016/10/01

Abstract

This study investigates the difference between accounting information value relevance in the firms using fair value and firms using cost basis in their Financial Reports. This study is an "applied", "descriptive-correlation" and "post events and quantitative" research from objective, execution method, and nature viewpoints, respectively. The sample consists of 95 firms listed in Tehran Stock Exchange during the years from 2008 to 2014. After collecting data and calculation of the basic variables, all of the hypotheses of research are tested using simple and multiple linear regressions based on data panel model. The results show that the value relevance of earnings per share and synchronic value relevance of earnings per share and book value in firms using Fair value method is more than firms using historical cost system.

Keywords: Fair value, Historical cost, financial reports, Value relevance of the accounting information.

JEL Classification: M41

DOI: 10.22051/jera.2017.10363.1307

^{*}MSc in Accounting, Islamic Azad University, Yazd Branch, corresponding author, (kermanisamira@yahoo.com).

^{**}Associate Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Yazd Branch, (mahmoudmoein@gmail.com).

^{***}Assistant Professor and Faculty Member, Islamic Azad University, Yazd Branch, (heiranyforough@gmail.com).